

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

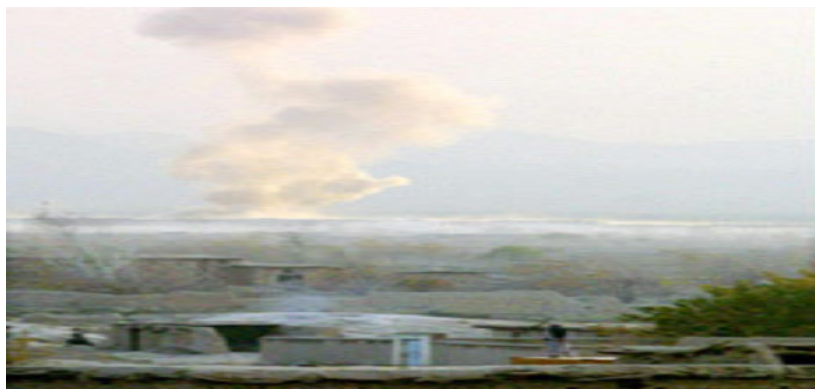
داکتر میر عبدالرحیم عزیز
۱۶ جولای ۲۰۱۵

بمباران افغانستان و زانو زدن مقابل طالبان

از ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ تا اکنون، امریکا و متحدین مقادیر عظیمی بم و راکت بر فرق مردم افغانستان ریخته اند تا نظام قرون وسطائی طالبان را از بیخ برکنند و به جایش دست پروردگان خود را بنشانند. صد ها هزار تن از مردم بی گناه جان های شان را در زیر حملات بم افکن های امریکائی از دست داده و در بدر و آواره شده اند. نتیجه این شد که نمایندگان دولت دست نشانده کابل با حمایت امریکا، اما با عجز و ناتوانی پیش روی طالبان بیرحم سر خم نمایند و شفقت آنها را تقاضا کنند. این است عملکرد ۱۴ ساله امپریالیسم امریکا که افغانستان را در چه پرتگاهی سوق داده است. نظر به تحقیقات گلوبل ریسرچ (Global Research)، افغانستان کشوری است که سنگین ترین و شدید ترین بم ها و راکت را متحمل شده است. این کشور از سال ۲۰۰۱ تا کنون ۶۱۰۰۰ هزار مرتبه از جانب امریکا و متحدین ضربه خورده است. صرف در سال اول حملات هوائی به افغانستان، با ۲۴۰۰۰ هزار بم و راکت مردم ما را هدف قرار دادند. به تعداد ۲۹۰۰۰ راکت و بم دیگر هم بین سالیان ۲۰۰۷-۲۰۱۲ مردم ما را تکه تکه کردند که کمتر از دوکتورین "هول و وحشت" رمزفیلد در عراق نبود. همه این حیوانیت به خاطر این بود تا نظم طالبی را سرنگون ساخته و یک نظام فاسد دست نگر خود را در افغانستان مستقر سازند. سنگین ترین حملات در ماه اکتوبر ۲۰۱۰ بود که ۱۰۴۳ بار مناطق مختلف کشور در زیر آتش بم و راکت های امریکائی قرار گرفتند و تلفات عظیمی را بر کشور و مردم ما وارد کردند.



امریکا و ناتو در بمباران افغانستان از جدیدترین سلاح هائی که در زرادخانه خود داشتند استفاده برده اند. بر حسب گزارش گلوبل سیکوریتی (Global Security)، در جریان حملات امریکا به افغانستان که به نام "عملیات آزادی متداوم" مسما شد، طیارات بم افکن B1, B2, B52 از مراکز نظامی دیاگو گارسیا (Diego Garcia) در بحر هند برخاسته و بعد از طی مسافت طولانی، بم ها و راکتهای خود را بر فضای افغانستان رها می کردند. در خلال این مدت قوای هوایی امریکا ۶۰۰ بار اهداف مورد نظر خود را زیر حمله گرفتند. تا اخیر ماه نومبر ۲۰۰۱، طیارات بم افکن B1s و B52s، ۴۷۰۰ تن بم و راکت نصیب مردم افغانستان ساختند تا یک نظام بی پایه طالبی را از پا در آورند. بعداً طیارات شکاری اف ۱۵، اف ۱۶ و AC-130H/U هم در تیاتر افغانستان شامل شدند و جهنم آفریدند. در ماه دسمبر ۲۰۰۱، امریکا حد اقل چهار بم با طول ۱۷ "فیت" را که به نام دیزی کتر (BLU-82 Daisy Cutter) یاد می شود و قابلیت نفوذ و تخریب تونل های طالبان و القاعده را داشت، مورد استفاده قرار داد. همچنان امریکا سه بم اتمی کوچک را در مواضع مورد نظر پرتاب نمود که تأثیرات مواد رادیو اکتیف آن تا حال باقی مانده است. طیارات بم افکن B1 امریکائی همچنان بم های خوشه ئی (CBU-87s Cluster Bomb) ۱۰۰۰ پوند را در افغانستان استعمال نمودند تا طالبان را زودتر وادار به تسلیم بسازند. بم های خوشه ئی ساحة وسیعی را تخریب نموده و تلفات زیادی بار می آورد.



بمباران قریه جات در کاپیسا



یکی از شهکار های امریکا در شیگل کنر



ترحم امریکائی

تلفات انسانی ناشی از بمباران افغانستان غیر قابل بیان است. سازمان های حقوق بشر از آغاز تا حال حملات وحشیانه امریکا و ناتو را در افغانستان محکوم نموده و آن را خلاف موازین حقوق بشر دانسته اند. امریکا خواست که نظام طالبی را سرنگون سازد و ریشه القاعده را از افغانستان برکند، اما در عوض چه به افغانستان به ارمغان آورد! فاسد ترین نظام که متشکل از ناموس فروش ترین و خاین ترین افراد بوده اند. پس اگر گروه طالبان مردم سیاه اندیش، خونخوار و دشمن حقوق بشر و حقوق زن بوده اند-که هستند-، چرا امریکا و دولت دست نشانده اش بعد از ۱۴ سال کشتار و تخریب میهن ما با طالبان داخل مذاکره می شوند. آیا طالبان ضعیف شده اند که حاضر اند تسلیم گردند؟ هرگز چنین نیست. موقف نظامی و سیاسی طالبان نسبت به چند سال قبل قویتر و سازمان یافته تر شده است. روزی نیست که طالبان بر دولت مستعمراتی کابل و مراکز امریکا و ناتو ضربه وارد نمایند و موضعی را اشغال نکنند. بنابراین، به وضاحت مشاهده می نمائیم که دست طالبان و دولت پاکستان در مذاکرات به اصطلاح صلح بالا خواهد بود. در مذاکرات صلح همیشه داد و گرفت وجود دارد و طرفین مذاکره باید چیزی بدهند و چیزی بگیرند. درین صورت خواهشات طالبان خواه موجه باشد یا غیر موجه، باید قسماً برآورده شود و نظرات سیاسی و اجتماعی شان مورد پذیرش قرار گیرد، در غیر آن مذاکرات صلح ناکام شده و جنگ وستیز ادامه خواهد یافت. در صورت پذیرش نظرات طالبان، بار دیگر حالتی پدید خواهد آمد که امریکا و ناتو افغانستان را به خاطر آن برای ۱۴ سال بیرحمانه کوبیده اند. امریکا بار ها گفته است که این کشور دوست دایمی و دشمن دایمی ندارد، اما زانو زدن مقابل طالبان در اسلام آباد شکست و افتضاح بزرگ سیاسی و جهانی برای امریکا تلقی می شود. نقش دولت مستعمراتی کابل در مذاکرات صلح اسلام آباد ارزش ندارد. دولت مزدور کابل فرمان می گیرد و اجراء می کند. خاینانی که در جریان حملات بیرحمانه امریکا در حمایت از بمباران افغانستان در تلویزیون های این کشور ظاهر می شدند و عربه می کشیدند، حال چه خاک را بر سر خود می ریزند. این گروه کثیف بی هویت مکافات خود را در بدل فروش "میهن شان" گرفتند و چند صباحی به حیث بی حیثیت ترین وزیر و سفیر مقرر شدند تا چور کنند و خون مردم خویش را بمکند. عده دیگری هم درین کاسه لیبسی و خیانت آنقدر پیش رفتند که در بدل پست و مقام از ناموس شخصی هم گذشتند.

آیا هدف امریکا از بمباران افغانستان صرف برکناری طالبان سرکش و نصب بی شرافت ترین انسان ها بر مردم ما بود یا این که اهداف دیگری داشته است؟ اگر هدف تنها انهدام نظام طالبی بود، چرا گذاشته شد که طالبان دوباره احیاء گردند و خطرات امنیتی را برای نظام مستعمراتی کابل سبب گردند؟ از سیرانکشافات سیاسی منطقه ئی و جهانی و سیر تکاملی روش های امپریالیستی امریکا در منطقه چنین استنباط می شود که با بمباران افغانستان و انهدام طالبان سرکش و تحمیل یک نظام مستعمراتی، امریکا اهدافی دیگری در افق داشته است:

اول این که، امریکا توانسته است به منابع عظیم زیر زمینی افغانستان دست یابد و آن را به غارت ببرد. ذخایر لیتیم (Lithium) و مواد نایاب زمین از زمره ارزش های مادی افغانستان است که تجاوز گران آن ها را به یغما برده اند.

ارزش ذاتی ذخایر طبیعی افغانستان غیر قابل پیمایش است که حتا بین خود تجاوز گران امریکائی و برتانوی بر سر دزدیدن مواد قیمتی تصادمات صورت گرفته است. با موجودیت یک نظام صد در صد مطیع و افراد فاقد وجدان ملی و شرف انسانی در رأس قدرت مانند کرزی و شرکاء، گروه جمعیت اسلامی و شورای نظار، امپریالیسم توانسته است که ثروت افغانستان را به راحتی بدزد و بلیون ها دالر ثروت ملی را از کشور ما خارج سازد.

دوم این که، موقعیت ستراتیژیک افغانستان و نصب پیشرفته ترین آلات نظامی و رادار ها به متجاوزین امریکا و ناتو توانائی می دهد تا تحولات آسیای مرکزی و فعالیت های روسیه و چین را به دقت زیر نظر بگیرد. لذا غرض رسیدن به این هدف، نصب یک نظام دست نشانده در کابل برای امریکا حتمی بوده است. با موجودیت طالبان سرتنبه و حرف نا شنو، این زمینه برای امریکا میسر نمی شد. شیوع و گسترش جنگ سرد دوم هم می تواند بهترین انگیزه برای تداوم اشغال افغانستان باشد.

سوم این که، ایران که تا هنوز خصم امریکا شمرده می شود، از زیر چشمان رادار های نصب شده امریکائی در افغانستان دور نیست. با وجودی که انهدام عراق و نظام طالبی، امریکا و ایران را موقتاً شریک ستراتیژیک یک دیگر ساخت، اما هنوز بی اعتمادی کامل بر روابط این دو کشور حاکم است. در ماه های اول تجاوز امریکا به افغانستان، زمزمه های حملات امریکا به ایران که یکی از کشور های محور شرارت محسوب می شد، به گوش می رسید. در صورت آغاز جنگ بین امریکا و ایران، مراکز نظامی امریکا در افغانستان نزدیک ترین محلات برای حمله به ایران محسوب می شوند. ازینرو از نگاه جغرافیائی، اشغال افغانستان برای منافع امپریالیستی امریکا با اهمیت بوده است.

پس چرا امریکا حاضر شده است که با طالبان راه آشتی را در پیش گیرد و به دولت دست نشانده خود در کابل هدایت دهد که مذاکرات صلح را آغاز نمایند؟ باید خاطر نشان ساخت که مذاکرات صلح بین طالبان و دولت مستعمراتی کابل (در واقعیت امریکا) به یک بارگی اتفاق نیفتاده است. از چند سال بدینسو امریکا و طالبان در نقاط مختلف جهان دیدار های مخفی داشته اند. خواهی نخواهی، نتیجه دلخواه به یک بارگی حاصل نمی شود، بلکه حوصله و زمان کُشی را ایجاب می نماید. اخیراً جیمز دوبین (James Dobbins) و کارتر ملکسیان (Carter Malkasian) مضمون مطولی را در مجله معتبر امورات خارجی (Foreign Affairs) مورخه جولای - اگست ۲۰۱۵، به رشته تحریر در آورده که از مذاکرات صلح با طالبان پشتیبانی نموده اند. جیمز دوبین نماینده امریکا در کنفرانس استعماری بن بود که بعداً به حیث نماینده خاص اوباما در امور افغانستان و پاکستان ایفای وظیفه می کرد. وقتی که یک فرد سیاسی امریکائی با این سابقه کار و موقف مشوق صحبت با طالبان باشد، گفته می توانیم که امریکا حاضر به پذیرش طالبان در صحنه سیاسی افغانستان خواهد شد. نظرات جیمز دوبین به ارتباط مذاکره با طالبان از جای دیگری مایه می گیرد.

نارامی های اخیر در افغانستان و تحولات غیر قابل پیش بینی دنیائی، امریکا را دچار سرگیچی ساخته است. بحران اوکراین، تشنج در شرق میانه، احیای نفوذ روسیه در آسیای مرکزی، پیشرفت های سریع اقتصادی و نظامی چین و همکاری های ستراتیژیک بین روسیه و چین، امریکا را سخت و اربط ساخته است. بر مبنای این تحولات جهانی، امریکا سعی می ورزد که نقاط بحرانی را به نفع خود کاهش دهد تا زمینه کامل برای رویارویی با روسیه و چین مهیا شود. امریکا با نصب یک نظام و گروه فاسد در افغانستان، بد نامی جهانی حاصل نموده است. بلیون ها دالر مالیه دهندگان امریکائی در جیب کثیف ترین انسان ها افتاده و کاری هم برای انکشاف افغانستان انجام نشده است. در داخل امنیت طور سرسام آوری رو به خرابی رفته است. طالبان موفقانه با نیروی دولت دست نشانده کابل دست و پنجه نرم می کنند و می کشند و کشته می دهند. پس امریکا تصمیم گرفته است که با دادن امتیازی، طالبان را آرام سازد و در صورت ضرورت از آنها برای مقاصد منطقه ئی هم استفاده نماید. بعید نیست که طالبان قرون وسطائی آله دست قرار

گرفته و برای مقاصد امپریالیستی به ماورای سرحدات افغانستان فرستاده شوند. درین صورت نه حقوق بشر و نه حقوق زن نزد امریکا و متحدینش ارزش خواهد داشت.

دولت مستعمراتی کابل و سایر جیره خواران استعمار به جزء اطاعت کمترین حق اعتراض را نخواهند داشت. تصمیم گیرنده امریکاست، نه دولت مزدور کابل. این است نتیجه کل از بمباران کشور فلاکت زده ما که امریکا و مزدورانش را برای بیش از ۱۴ سال شادمان ساخته است.